



قرائت علی عبدالرازق از رابطه دین و سیاست و مفصل بندی گفتمان سکولاریسم در اسلام

رضا سرحدی قهری^۱، سارا نظیف^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد rezasarahaddi1@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد saranazif.venouse@yahoo.com

چکیده

در خصوص کیفیت رابطه‌ی بین دین و سیاست، اندیشمندان مسلمان نظریه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. از این رو تفکر و پژوهش درباره‌ی این موضوع دارای سابقه‌ای طولانی است. علی عبدالرازق و نظرات وی تحولی در رابطه دین و سیاست و گسترش سکولاریسم ایجاد کرد. به طوری که وی در تلاش است تا با استفاده از نصوص دینی به سکولاریسم برسد و این امر وجدان دینی مصریان را تکان داد و زمینه‌های بحث و جدال را در بین متفکران پس از خود ایجاد کرد. سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه علی عبدالرازق از موضعی درون دینی در خصوص رابطه بین دین و سیاست چه دیدگاهی دارد. مفروض پژوهش حاضر به این قرار است که علی عبدالرازق با برداشتی افراطی از دو گانه دین و سیاست و در نهایت جدایی این دو از هم به ترویج سکولاریسم پرداخته است. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با بهره‌گیری از گفتمان هم به عنوان چارچوب نظری و هم در مقام روش به بررسی آرا و اندیشه‌ی علی عبدالرازق پرداخته شود تا پس از بررسی آرا و اندیشه‌ی وی مفروض پژوهش مورد سنجش قرار گیرد.

کلیدواژه: دین، سیاست، خلافت، سکولاریسم، علی عبدالرازق

مقدمه

رابطه بین اسلام و سیاست دارای جایگاه ویژه‌ای در حوزه اندیشه‌ی سیاسی در اسلام می‌باشد. به طوری که در یک قرن اخیر مناقشات بسیاری را برانگیخته است. شاید علی عبدالرازق را بتوان به عنوان فردی معرفی کرد که افکار وی در زمینه حکومت بیش از سایر افراد قبل از او باعث تحولات زیادی در جامعه مصر شد. به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان وی را به عنوان پدر سکولاریسم قلمداد می‌کنند. همچنین از وی به عنوان کسی که برای اولین بار نظریه جدایی دین از سیاست را مورد توجه قرار داد و آن را منتشر کرد، یاد می‌کنند. در زمانی که جامعه اسلامی در شوک بزرگی از بابت برچیده شدن خلافت در سال ۱۹۲۴-م به سر می‌برد و

شکاف‌های عمیقی در میان مسلمانان بوجود آمده بود، علی عبدالرازق کتاب خود تحت عنوان *اسلام و مبانی قدرت* را در مصر به چاپ رساند. کتابی که در آن عقایدی وجود داشت که جامعه مصر توان تحمل و کنار آمدن با آن را نداشت، شاید از آن جهت برای آنها غیر قابل قبول بود که کسی که لقب شیخ به او داده شده است و قاضی تربیت شده دانشگاه الازهر بود، این چنین عقایدی را به رشته تحریر در آورد. بر همین اساس علی عبدالرازق در اندیشه سیاسی اسلام دارای جایگاه مهمی است و بسیاری از اندیشمندان پیرو کتاب او و عقایدش آثار زیادی را به چاپ رسانده‌اند.

با توجه به اهمیت اندیشه علی عبدالرازق در اندیشه اسلام، سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه علی عبدالرازق از موضعی درون دینی در خصوص رابطه بین دین و سیاست چه دیدگاهی دارد. مفروض پژوهش حاضر به این قرار است که علی عبدالرازق با برداشتی افراطی از دو گانه دین و سیاست و در نهایت جدایی این دو از هم به ترویج سکولاریسم پرداخته است. نگارنده در راستای پاسخ به این مسئله با روش تحلیل گفتمان به بررسی آرا و اندیشه علی عبدالرازق پرداخته است. در پژوهش حاضر ابتدا به بررسی زندگی علی عبدالرازق خواهیم پرداخت و در مرحله بعد به شرایط سیاسی، اجتماعی دوران زندگی او و سپس با توجه به این موارد و شرایط زندگی وی سعی می‌شود تا افکار و عقاید او روشن شود که در نهایت از این مسیر باید به تصویر وی در مورد رابطه بین دین و سیاست رسید.

چارچوب نظری

یکی از مفاهیم اساسی که در شکل دهی به تفکر فلسفی و سیاسی در غرب و به طور ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بسیار تاثیرگذار ظاهر شد، گفتمان (discourse) بود. اگر چه این مفهوم در ادبیات فلسفی و اجتماعی دوران کهن و قرون وسطی مغرب زمین کاربرد فراوان داشته است اما در چند دهه اخیر معنای آن به کلی دگرگون شده است (عضدانلو، ۱۳۹۱: ۱۳).